

## • اندازه گیری خصوصیات جریان گدازه:

اندازه گیریهای سیستماتیک اندکی از ویژگیهای فیزیکی گدازه روان فعال وجود دارد. چنین اندازه گیریهایی با اهمیت است، زیرا اجازه میدهد که محدودیتهایی بر خصوصیات ماگما قبل از فوران انجام دهیم و بدلیل آنکه مدلهای سه بعدی واقعگرا از جریان گدازه مورد نیاز است، اطلاعات ورودی و اندازه گیریهای روانه شناسی و خصوصیات فیزیکی و گرمایی مناسب از مناطق حاشیه و ایزوترمال در چندین مرحله از تکامل جریان صورت میگیرد. چنین مدلهایی برای سنجش خطر و مطالعات پیوسته در طی فورانهای آینده آتشفشانهایی که گدازه اش تهدیدی برای مناطق دارای سکنه است، میباشد. محاسبات دمایی، ویژگیهای روانه شناسی، غلظت، ابعاد جریان و سرعت مواردی هستند که روشهای موجود جدید به آنها میپردازد.

### مقدمه:

در طی ۵۰ سال گذشته محاسبات شفاف از رفتار جریانهای گدازه صورت پذیرفته است. عمده زمین شناسان که از جریانهای فعال بازدید کرده اند، هر چند عده بسیار انگشت شماری اندازه گیریهایی از ویژگیهای در حال فوران به عمل آورده اند. در حالی که در بسیاری از موارد این مسئله بنا به مشکلات دسترسی یا فقدان زمان و پرسنل بوده است. در عده ای دیگر بعزت فقدان اطلاعات در زمینه محاسباتی است که باید صورت پذیرد و در مورد ابزاری است که این محاسبات را صورت میدهد.

فوران اخیرکوه Puu Oo و Mauna Loa درهاوایی نقطه عطفی درمشاهدات و محاسبه جریانهای گدازه ای بوده است وبنابراین زمان مناسب برای مرور اینگونه روشهای رایج درزمینه جمع آوری اطلاعات ازجریانهای گدازه ای میباشد تا نگاهی به پتانسیل روشهای اضافه صورت پذیرد و مفیدترین محاسباتی که میتواند انجام شود خلاصه گردد.

### روشهای اندازه گیری:

درهنگامیکه تعدادی ازویژگیهای جریانهای گدازه قابل اندازه گیری درآزمایشگاه هستند،مانند رسانایی دمایی،ضریب انبساط گرمایی و رسانایی الکتریکی،عده ای دیگر بایددرروی زمین انجام گیرد.بسیاری ازمتصدیان خاطرنشان کرده اند که تفاوتی بین،برای مثال،اندازه های مربوط به ویژگیهای روانه شناسی گدازه ها درآزمایشگاه ومحاسباتی مشابه درزمین وجود دارد.این تفاوتها نسبتاً بنابه تفاوتی درمیزان تغییر درطی اپیزوهای گرمادهی دوباره میباشد.تنهاراهی که مامیتوانیم تعدادی ازمهمترین محاسبات را صورت دهیم،انجام دادن آنها درزمین میباشد.

### ویژگیهایی که باید مورد اندازه گیری قرارگیرد:

درطی چندسال گذشته،پیشرفت فراوانی در تکامل مدلهای نظری جریان گدازه صورت پذیرفته است.هرچند،همانطور که توسط ویلسون و همکاران بحث شده است،مدل جریان گدازه قطعی

هنوز ساخته نشده است. مهمترین پیشرفت در مدلسازی جریان گدازه با کمک مدل‌های متفاوت محدود مناسبی صورت پذیرفته است. این موارد و دیگر مدل‌های ریاضیاتی فرآیندهای آتشفشانی، نیازمند اندازه‌گیری دقیق نسبتی است که در این قسمت مدنظر می‌باشد.

### ویژگیهای روانه شناسی:

میزان فرآیندهای آذرین، وابسته به ویژگیهای روانه شناسی ماگما یا گدازه ای است که در آن وجود دارد. از زمانیکه ویسکوزیته آشکار گدازه و ماگما با فاکتور  $10^6$  تغییر می‌یابد در تنهادر فواصل دمایی C ۲۰۰ خنک میگردد. میزانی که در آن روندهای ماگمایی ادامه می‌یابد بیشتر بوسیله این مسئله است نه دیگر ویژگیهای فیزیکی شیمیایی.

### چگالی:

چگالی جریان گدازه تابعی از ترکیبات و دما است. هرچند، این عوامل عموماً برای هر جریان گدازه ای کافی نیستند، در زمانیکه مقادیر متفاوتی از متغیرها بصورت گازی باشد. حضور حبابها و گاز نامحلول تاثیری بر ویژگیهای روانه شناختی جریانها بطور موثری دارد.

### پراکندگی دمایی جریانهای گدازه:

علاوه بر چگالی جریان، دما نیز تغییر دهنده ویژگیهای روانه شناسی جریان است که این عمل بوسیله میزان پلیمریزه شدن ماده مذاب و بوسیله تاثیرگذاری بر بلورها و میزان رشد حفره (vesicle) صورت میپذیرد. محاسبات دمایی دقیق که صورت میپذیرد نه تنها کاهش دهنده دما

بنا به کاهش دما از طریق رسانایی و تشعشعی است بلکه افزایشهای ممکن در دما بنا به گرمادهی ویسکوز (گرانروی) دار است. اثرات از دست دهی گازی بنابه میزان رشد بلوری است، که نتیجه آن تبلور دما در جریان است که میتواند تعیین کننده نمونه سازی قرار گیرد و برنامه محاسبه دمایی میباشد. این محاسبات میتواند بطور مفیدی بوسیله محاسبات جریان گرمایی همرفتی گدازه تکمیل گردد. روش مناسب در فصل ۷ شرح داده شده است.

### بررسی توپوگرافی توسعه جریان:

در طی بررسی یک جریان ایده آل گدازه ای، محاسبات دقیقی باید در زمینه عمق و پهنه سنجی توسعه جریانها در فاصله های زمانی منظم صورت پذیرد. در همین زمان میتوان (نسبتاً) به جلوگیری برداشت تا موقعیتهای ظاهری جریان و لبه های خارجی دیواره Levees را نقشه سازی کرد. محاسبات عمقی دقیق نیازمند نقشه های وضعیتی تفصیلی است که از زمین قبل و بعد از آنکه توسط گدازه پوشیده شود صورت میپذیرد. این نقشه ها کمک مینمایند تا جریانهای بنیادی بر روی زمین و قسمت بالای جریان صورت پذیرد. این محاسبات ضروری اند زیرا اهمیت آن بر روی میزان پیشروی و در نتیجه طول جریان است.

### تغییر ضخامت جریان گدازه:

ضخامت جریانهای گدازه بوسیله ویژگیهای روانه شناسی گدازه کنترل میشود. چگالی جریان و میزان ریزش (effusion)، شیب زمین زیر آن بخصوص در مناطق نزدیک، بوسیله فرورفتگی

توپوگرافی آغازین و درجریانهایی باطول عمر طولانی بوسیله فرسایش دمایی صورت میپذیرد. ضخامت جریانهای حاصل پراکندگی استرس برشی و در نتیجه، سرعت جریان را تعیین میکند (برای مثال: واکنش برگشتی مثبت) و پراکندگی دمایی درست مانند تاثیر پتانسیل همرفت، آشفستگی و فرسایش دمایی. در طی این دوران، ضخامت جریان گدازه میتواند در هر نقطه ای متفاوت باشد، زیرا افزایش ناگهانی گرما و سرما باعث فرسایش میشود. محاسبات عمقی دقیق در کانالهای فعال باید در طی برهه های زمانی منظم صورت پذیرد.

### میزان ریزش (effusion):

بدلیل آنکه میزان ریزش بر مورفولوژی جریانهای گدازه ای تاثیر میگذارد، محاسبات دقیق این مسئله در طی مشاهدات گسترش جریانی صورت میپذیرد. بطور ایده آل، اینرا میتوان از شکل کانال فعال تقریبی بدست آورد که همراه با سرعت پروفیل گدازه افقی و عمودی در کانال تطابق دارد. محاسبات منظم این موارد اجازه تغییرات در میزان ریزش برای ثبت دارد. بعلاوه، بدلیل تفاوت موقتی در میزان ریزش ممکن است به سمت پایین (down flow) باشند.

### الگوی آماده سازی:

با در نظر گرفتن منابع نامحدود و تمام ویژگیهای فیزیکی نامحدود، گدازه فعال میتواند با دقت محاسبه شود. چنین زمینه ای برای بیشتر تحقیقات آتشفشانی در دسترس نیست. طراحی بیشتر ابزار علمی شامل پیچیدگیهایی است، ابزار اندازه گیری ویژگیهای گدازه تحت محدودیت

وزن است، درحالیکه فوران اندکی درزمانیکه هلیکوپتر در دسترس باشد صورت پذیرفته است. بعلاوه ابزار نیز باید بر روی محلی مناسب قرار گیرد تا جریانهای گدازه را منتقل نماید. با در نظر گرفتن مشکلات دسترسی به کانالهای گدازه یا دریاچه های آن و عدم توانایی فیزیکی زمین شناسان که بر روی ابزار به کار رسیدگی میکنند، زمان کاربرد ابزار باید بصورتی باشد که در واقعیت کسب می گردد. در نهایت در اشتراک با تمام ابزار تحقیقاتی باید تغییر دهنده ویژگیهایی که با حداقل میزان تعیین می گردد باشد.

ابزار آلات اندکی میتواند تمام عرصه های بالا را تامین کند. برای مثال اگر ما مشکل محاسبات دمایی با استفاده از ترموکوپل را در نظر بگیریم، زمان پاسخ ماکزیمم با ترموکوپل بدون غلاف بدست می آید، هر چند چنین ترموکوپلی نمیتواند در درون بسیاری از جریانهای گدازه قرار گیرد. در نتیجه میتواند تمام سطح یا دمای سطح را اندازه گیری کند. لازم به ذکر است که نباید کاهش در جریانهای گدازه نیز حاصل گردد. بدلیل آنکه این ابزار بر روی آن تراز داده شده است. علاوه بر از دست دادن مقادیر بزرگی از گرما بوسیله تابش، بهتر است تادمای بالایی را بوسیله اکسیداسیون دمایی در طی کلاتیزه کردن در قسمت بالای جریان در نظر بگیریم. این مسئله افزایش دهنده تمام دماهای اندازه گیری شده بوسیله دماهای چندده تایی است.

از سوی دیگر ترموکوپلی که در بالای مقطع قرار میگیرد چند دقیقه طول میکشد تا به تعادل برسد که در خلال آن اپراتور بسیار حالت نامطمئنی دارد. این نتایج محاسباتی قبل از آن است که

تعدلهایی صورت پذیرد، حتی زمانیکه این مسئله بدست آید ترموکوپل نمیتواند دمای نهایی درون جریان را تعیین کند زیرا پوسته خارجی به ساقه ترموکوپل می چسبد یا اینکه از دست دادن دمایی در طول استوانه روی خواهد داد.

جنبه اصلی طراحی ابزار شامل تلاش برای کسب رضایت خاطر، راحتی حمل و نقل، دوام زیاد، کیفیت خوب و زمان پاسخ مناسب، دقت فراوان، راحتی بکارگیری و نگهداری تحت شرایط محل کار میباشد، در حالیکه کمترین هزینه نیز وجود داشته باشد.

#### دمای جریانهای گدازه ای:

روشهای مختلفی وجود دارد که برای سنجش دمای جریانهای گدازه بکار میرود. عمده این اندازه گیریها با استفاده از ترموکوپلهای کروم-آلومل-به عنوان حسگرهای دمایی به همراه مترهای خودتعدالی میباشد. این ابزار ارزان بوده کاربرد آسانی دارد، قابل حمل است و میتواند فشاری را که به آن وارد میشود تحمل نماید. تعدادی از مشکلات طراحی و کاربرد ترموکوبلها برای اندازه گیریهای دماهای گدازه میباشد که تا بحال اشاره شده است، بقیه موارد توسط اولت و همکاران و... آورده شده است.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، مشکل رایج در تکامل پوسته بدنه و راس ترموکوبل است که منجر به ثبت دماهای ثابت میگردد، هرچند اینگونه دماها پایین تر از سطوح درونی گدازه است. این پوسته رامیتوان با صرف نظر نمودن از عمل جایگذاری تعویض نمود و سریعاً آنرا وارد قسمت

دیگری از جریان کرد. چندین نوع جایگذاری مورد نیاز است، قبل از آنکه دمای ترموکوبل باعث تغییر شکل پوسته گردد. در طی سال ۱۹۸۴ Mauna Loa فوران نمود و حتی زمانیکه ترموکوپلها در آن قرار داده شد، پوسته ای به دور آن توسط جریان سریع گدازه ایجاد گردید. لیپمان و بنکس این ویژگی را بعلت کشش حفره های کوچک و افزایش ناشی از آن در مجاورت گرانیروی گدازه و در نزدیک راس ترموکوپل میدانند. این مشکل بوسیله کاهش سرعت ترموکوبل و گدازه به زیر نیمه متر بر روی گدازه ایجاد میشود، بنا بر زمان طولانی که مورد نیاز است تا این موضوع کسب گردد (از سه دقیقه برای ترموکوبلی که به درون یک جریان آرام با قطر ۱.۵ mm تا ۳۰ دقیقه میرود و برای ترموکوپلی غلافی به قطر ۶ mm و مدت ۳۰ دقیقه متفاوت است. محافظت مناسب از تشعشع ها نیازمند کاربرد حفاظ تابشی یا لباس محافظ مناسب است، در زمانیکه احتیاط مناسب وجود داشته باشد به حتی ۱ درجه سانتیگراد میرسد.

در ۱۹۷۶ ادعا کردند که کاربرد عناصر رادیوایزوتوپ پلوتیوم گاهنده این تساوی بین ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر میباشد، هر چند آنها نمیتوانند برای جریانهای گرانیروی استفاده شوند که علت آن شکنندگی میباشد، اما میتوانند در موارد آتشفشانی به طور محدود استفاده شوند. پینکرتون و... در ۱۹۷۶ بیان داشتند که با کاربرد یک ترموکوپل با قطر ۲۰ mm و عمق جایگذاری ۲۰ cm دمای داخلی مناسبی اندازه گیری میشود. تاکی و... در ۱۹۷۶ عمق جایگذاری را برای جریان کوه اتنا ۳۰ تا ۵۰ cm دانستند. زمان پاسخ میتواند بوسیله پیش گرمادهی ترموکوپل توسط جریان



تعیین گردد. عمقهای جایگذاری کاهنده امکانپذیر است که با کاربرد یک ترموکوپل نازک تر در زمانیکه رسانایی دما در تنه کاهش می یابد یا با اندازه گیری در جایی است که گرمای تشعشعی حاصل از جریان پایین است یعنی عموماً نزدیک به جریان منبع گدازه، هرچند در منبع نیز سطح بالایی جریان در تماس با دیواره های تغذیه ای است و گرمای رسانایی ممکن است در حکم یک روند دمایی مشخص باشد که بدلیل تفاوتها در ابعاد رسانایی و نوع ترموکوبلهای بکاررفته در طی فوران میباشد و همچنین به دلیل تفاوتها در مقاطع دمایی گرانی و سرعت جریانها مورد محاسبه قرار میگیرد و حداقل عمق جایگذاری و زمان آن متفاوت است و آنها تمایل دارند برای هر قسمت جریانی که بدست می آورند محاسبه کنند.

دمای دقیق و مقاطع عمیق نیازمند چندین ترموکوپل از انواع شرح داده شده و بکاررفته توسط آرچال و تانگای هستند.

گرماسنج یا پیرومترهای اوپتیکال نیز بطور گسترده ای بکار میروند و بطور سودمندی اجازه کاربرد آن در اندازه گیری دمای پوسته داده میشوند. درون ملتهب باید بصورت کامل و دقیق اندازه گیری شود بدون آنکه نیازی باشد تا به خود جریان نزدیک شوند. ابزارآلاتی از این نوع به طور کامل با استفاده از ترموکوبل تکمیل میگردد، هرچند در زمانیکه جریانهای فعال وجود دارد. بخصوص در هنگامیکه همرفت سریع و گاززدایی شدید صورت پذیرد قابل جایگزینی هستند. دریاچه های گدازه ای فعال و فواره های آتش مثالهایی از شرایطی هستند که

پیرومترهای نوری میتوانند جایگزین ترموکوپلها شوند، هرچند محاسبات غیردقیق ممکن است بعنوان هزینه خنک سازی سطح اکسایش یا جذب بوسیله گازهای ماگمایی تلقی گردند و باید اجازه ای در این زمینه صادر کرد و پذیرفت که گدازه ها تنها بدنه سیاه بزرگی نیستند. تشعشع گدازه بطورتجربی بوسیله گودیر بیان شده است (۱۹۷۱) که  $0.81$  برای طول موج  $0.65$  متری میباشد. پیرومتر نوری تک رنگ که دارای عملکرد مناسبی در کاربررسی آتشفشان میباشد Optix نام دارد که توسط آرچالبالت و تانگی (۱۹۷۶) شرح داده شده است.

درماهای بالا (۱۱۰۰) درجه سانتیگراد، بیشتر تابش انرژی از بدنه بصورت مادون قرمز است. پیرومترهای مادون قرمز مفیدتر از پیرومترهای نوری برای محاسبه حداکثر دما در طی بیشتر فورانهای آتشفشانی هستند. ردیفهای مناسب و مخصوصی از اندازه گیری دمایی فواره گدازه بوسیله لیپمان و بنکس (۱۹۸۷) بوسیله پیرومتر مادون قرمز دورنگ دستی صورت پذیرفته است. این مسئله اجازه آنرا میدهد که دماهای فواره ها مستقیماً محاسبه شوند، علاوه بر آن پیرومترهای مادون قرمزی هنگامیکه مجهز به یک لنز تلفوتو باشد، دارای زمینه دیداری کمتر از یک متر مربع در فاصله ۳۰ متر میباشد. پیشرفتهای اخیر در مورد ترمومترهای مادون قرمز قابل حمل و نقل افزایش دهنده میزان دما در زمانی است که اینگونه دماها بکار میرود. مینولت ها تعدادی از پرتوسنجهای مادون قرمز سیکلوپس را توسعه داده است که از دمای منهای ۵۰ درجه تا ۳۰۰۰ درجه را پوشش میدهد. این ابزار زمان پاسخی کمتر از حدود ۱ ثانیه دارد و یک سیستم

دیجیتال خواندن میتواند متصل به بخش اطلاعاتی گردد که زمینه محاسباتی با ادعای فوق، درجه سانتیگراد باشد، اگر قابلیت جستجوی صحیح بکاررود برای اطلاعات دمایی کیفی فیلم مادون قرمز در بیشتر دوربینها بکار میرود گرچه این روش تنها زمانی استفاده میشود که فیلم تازمان نیاز در یخچال باشد. فیلم باید در اتاق تاریک وارد دوربین و از آن خارج شود و به سرعت پس از استفاده آماده گردد.

اطلاعات دمایی بوسیله ماهواره هواپیما با کیفیت بالا بدست میاید. پیرومترهای مادون قرمز هوایی بدون شک به ما اطلاعات بسیار مهمی از دماهای سطحی جریانهای گدازه ارائه میدهند که از آن مدلهای کاهش دما قابل تعیین است. مشکلات تفکیک فضایی، تکامل الگوریتم مناسب برای جذب اتمسفری و دیگر مشکلات با ماهواره، علاوه بر آن نقشه برداری هوایی مواردی است که در آموزشگاههای رایج و دانشگاه سنجیده میشود.

در زمانیکه بر این مشکلات فائق شوند روش حسی برای انتقال دادن نیاز به اندازه گیری دمای سطحی جریانهای گدازه ای بر روی زمین از بین خواهد رفت. در این فاصله مدلهایی که میزان از دست دادن دما را در جریانهای گدازه ای تعیین کنند، نیازمند محاسبات دماهای داخلی چه در زمینه درونی و چه میزان سطحی میباشند.

ویژگیهای روانه شناسی گدازه ها:

دردمای بالای لیکیدوس، بیشترگدازه ها ازقوانین نیوتن پیروی میکنند و میتوان گرانروی آنها را باتنوعی ازمشکلات زمین شناختی که ازدانش ما درمورد ساختارومحاسبات مربوط بدست آورد.درطی این زمان قابل ملاحظه ازتاریخشان،بیشترگدازه ها درماههای کمتراز نوب هستند وبنابراین تشکیل بلورهای معلق وحبابها را میدهند که هردوی آنها برویژگیهای گرانروی این مواد تاثیر میگذارند.اگربیش ازچنددرصد ازحبابها یابلور وجود داشته باشد،گدازه ها بصورت سیالهای غیرنیوتونی عمل میکنند.اثرات بلورهای معلق رامیتوان درآزمایشگاه بصورت غلظت زن چرخان مورداستفاده قرار داد(۱۹۸۷)اگرچه اثرات ترکیبی بلورها،حبابها ومتغیرهای ساختاری را تنها میتوان درمحل سنجید،بدلیل آنکه بسیاری ازگدازه ها درهنگام فوران حالت غیرنیوتنی دارند وخنک میشوند وسپس حبابدار میگرددند.این محدودیتهای فوری درزمینه طراحی نیازمندسیستم غلظت سنج برای جریانهای گدازه است.این ابزارباید قادرباشد تامحاسبهای ازمیزان موردنظر بنماید، درنتیجه هریک ازروشهایی که محاسبات رادرمقادیر منفرد یاناقص صورت دهد مناسب اندازه گیریهای محاسباتی گرانروی جریانهای گدازه ای نیست.این محدودیت بطورخودکارتردیدی درزمینه میزان تاثیراکثریت محاسبات گرانروی که درروی جریانهای گدازه صورت میپذیرد،بخصوص آنهایی که ازتعادل پیروی میکنند ارائه میدهد که برمبنای گرانروی نیوتنی است.

روش اضافی که بطور رایج برای کسب اطلاعات در خصوصیات گرانروی گدازه ها پدید میاید شامل اندازه گیری ابعاد جریانهای گدازه ای ثابت میباشد (۱۹۸۷) که بر مبنای این تصورات که این گدازه ها بطور نزدیکی از مدل های رفتاری بینگ هام پیروی میکنند و ابعاد جریانی آنها بوسیله این رفتار غیر نیوتنی تعیین میگردد تعدادی از محدودیتهای این روشها توسط اسپاک و همکاران و... توضیح داده شده است. روش اضافی دیگر که بکار میرود هنگامیکه جریانه در کانالها شکل می یابند (۱۹۸۷) متاسفانه تنها چندین موقعیت وجود دارد که این روش میتواند بکار رود. بنابراین نیاز به اندازه گیری ویژگیهای گرانروی با استفاده از ابزار در محل همچنان باقی است.

دوروش پایه برای اندازه گیری ویژگیهای روان شناختی گدازه ها در محیط وجود دارد و محاسبات دیگر در این زمینه نیازمند پهنه برشی با سرعتهای مختلف است.

انواع مختلفی از پنترومتر (سختی سنج) در طی ۲۰ سال گذشته بکار رفته است و تعدادی از آنها درون گدازه قرار داده شده است، در حالیکه عده ای دیگر به کمک دست در محل قرار میگیرند (۱۹۷۳) سختی سنجهای قرار گرفته بنا به سازوکار متعادل عبارتند از انواع مکانیکی، انواع سختی سنجهای دینامیکی و آنهایی که به آرامی و به حالت استاتیک در محل قرار میگیرند. سختی سنجهای استاتیک قادر به تعیین حداقل نیروی مورد نیاز برای تعیین تحرک

سختی سنج به درون ماده ای است که آماده میشود در نتیجه میزان قدرت جریان گدازه میباشد.

اگر میزان قرارگیری فعال پنترومتر متغیر باشد و مورد کنترل قرار گیرد، این پتانسیل وجود دارد که میزانی از برشی مورد تایید قرار گیرد و در نتیجه اجازه تعیین ویژگی گدازه ایجاد گردد.

اصلی ترین ضعف پنترومترها آن است که در قسمت داخلی و خنک جریان قرار میگیرد (۱۹۴۹) در نتیجه نیروی مورد نیاز برای ورود به گدازه نتیجه تجمع نیروهای برشی

در ضخامت مزبور میباشد. مقاومت اصلی به نیروهای برشی بنا به مناطق خارجی دارای بیشترین گرانیوی مانند سختی سنجهایی که مناسبات شبه کمیتی انجام میدهند از بدنه جریان

و مقدار اندک ویژگی روانشناختی جریان گدازه درونی میباشد. این مسئله رامیتوان با استفاده از سختی سنجی که از مناطق خنکتر قبل از فعال سازی صورت میپذیرد تعیین کرد. تنهانوک این

سختی سنج به درون گدازه وارد میشود. سختی سنج از این نوع شکل ۱-۶ برای تعیین خصوصیات روانه شناختی گدازه فوران شده در کوه اتنا در ۱۹۷۵ صورت پذیرفت. ابزاری که

حالت فنی داشت باعث ایجاد انرژی داخلی میشود، کاهش کنترل شده نیروی محوری در طی نفوذ ثبت میشود، در حالیکه مقادیر در نهایت محاسبه میگردد این موضوع موجب میشود

تا ویژگیهای گدازه تعیین گردد. نخستین اندازه گیری موفق روانه شناسی شادر ۱۹۶۸ صورت پذیرفت. آنها از یک چکش برشی برای محاسبه ویژگیهای روانه شناسی گدازه در دریاچه گدازه

"ماکائوپوهی" استفاده کردند و نشان دادند که این گدازه غیرنیوتنی است. روش آنها مناسب یک دریاچه گدازه بود هرچند ابزارشان برای اندازه گیری گدازه فعال بکارنمیرفت. سپس در سال ۱۹۷۸ یک برش دستی برای اندازه گیری قدرت گدازه ها درکوه اتنا صورت دادند. این تلاش در این کوه ادامه یافت تا نسخه ای از این ابزار برای جریانها بکاررود. یک مته برشی چرخدار ساخته شد و توسط نویسنده بکاررفت تا ویژگی روانه شناسی جریانات گدازه ای در "لنگای اولدونیا" تعیین گردد. این ابزار که یک موتور ۲۴ ولت برق غیرمستقیم دارد، دارای کنترل کننده سرعتی است که به یک مته برشی منتهی میشود و اندازه گیری از محل به صورگوناگون ایجاد میکند. این سرعتهای رایج همزمان با استفاده از یک تاخومتر نوری تعیین میگردد. چندین راه برای تحلیل روانی سیستمهای گرانروی چرخان وجود دارد. بدون شک موفق ترین روشی که بکار میرود معادله ای است که شامل سرعت چرخش و قدرت است که هیچگونه تصویری از مدلهای گرانروی و ماده ای که به آن متصل است ایجاد نمیکند. در بسیاری از موارد بهتر آن است تارفتار گدازه بامدل "Herschel-Bulkley" تعیین گردد که رابطه ای بصورت  $Q + T = A(dv/dr)^n$  میباشد که  $T$  نیروی برشی بکاررفته و  $dv/dr$  میزان نیروی برشی حاصل و  $Q$  قدرت و توان ماده است. حداقل روش جدولی اجازه میدهد تا مقادیر مناسب  $Q, A, n$  محاسبه گردد. چنین مدلی اجازه میدهد که قوانین جریانهای پزدوپلاستیک، محلولهای رقیق، محلولهای نیوتنی و مواد Herschel-Bulkley تعیین گردد.

### غلظت:

بدلیل اندازه گیری مقدار دقیق چگالی مدلهایی نیازمند جمع آوری است. در زمانیکه احساس گردد مدلسازی لازم است عمده کارکنان ازمیله های خاص و چکشهای زمین شناسی استفاده میکنند. در هنگام جمع آوری، نخستین موضوع آن است که نمونه مذاب در حداقل زمان جمع آوری گردد تا نمونه دارای حباب نشود.

روشهای گوناگون اندازه گیری چگالی گدازه در طی سالهای گذشته استفاده شده است، اما تنها یک مورد از چگالیهای دقیق مورد استفاده قرار داده شده است. در زمانیکه نمونه های خنک به مکعبهایی تقسیم شده است و ابعاد آنها مورد توجه است در ۲۰ درجه سانتیگراد خشک شده اند و وزن تقریبی شده است.

### روشهای بررسی:

در طی فوران، بررسی جریانهای گدازه محدود به ضخامت و میزان حرکت جریان است، بعلاوه ابعاد کانال و سرعت ماکزیمم در نهایت محاسبه و سنجیده میشود. این اندازه گیریها شامل اطلاعات سودمند روانه شناسی در نقاط مختلفی از جریان و میزان انتشار آن در محاسبه است. بعلاوه، میزان انتشار متوسط با استفاده از ضخامت جریان متوسط که چندین برابر منطقه مسطح در نمودار است و با تقسیم در دوره زمانی فوران حاصل میگردد. در طی بعضی از مطالعات



مقاطع دقیقی از کانالهای فعال صورت میپذیرد تا خصوصیات روانه شناسی جریانها محاسبه گردد.

انتخاب ابزار و روشهای سنجش بنا به دقت مورد نیاز است. ابعاد و مشکلات دسترسی محلی در نظر گرفته میشود و زمان و تعداد پرسنل معلوم است. سنجشهای Tacheometric با استفاده از سطوح خودکار و استوانه های اینوار، طول مورد نظر زمانی داراست. اگر منطقه سنجش بزرگ باشد میتوان از زمان کاست که این عمل با استفاده از تکنولوژیهای ثبت خودکار با استفاده از اطلاعات رایانه ای، امکانات استریو فوتوگرافی و منعکس کننده ها صورت میپذیرد، به طریقی متغیر در سنجشهای مسطح سنجش سریعی با استفاده از سطح Abney ممکن است اطلاعاتی از دقت مورد نظر را ارائه دهد. در طی اینگونه سنجشهای سریع خطی مبنا ممکن است مورد نیاز باشد و دیگر محاسبات مسافتی در نظر گرفته میشود، در حالیکه محاسبات Tacheometric نیز بکار میرود. اگر سطحی از تکنولوژی در دسترس باشد روشهای متغیر اغلب لازمند اگرچه محاسبات نواری بطور سنتی بکار میروند در بعضی از شرایط که چنین روشی کاربرد ندارد مثلاً در زمانی که پهنای یک کانال فعال مورد نیاز است یا جاییکه میزان فزاینده ای از جریانهای پیشرفته محاسبه میشوند در زمانی که این فواصل با استفاده از روشهای سنجش سنتی حاصل میشود، که قسمت بندی از انتهای یک مبنا خطی محاسبه شده دقیق صورت میپذیرد. کاربرد یک روش متغیر ایجاد یک تصویر نسبی ایجاد کننده است. کاربرد یک مقدار-یاب

درس‌نجهای جریان گذاری کاهنده زمان موردنیاز بوسیله بزرگی است. تنها مشکل این روش آن است که در برخی موارد، فرار از گرمای می‌تواند کاهنده دقت باشد. در هر مورد یک مکان یاب صوتی می‌تواند مفید باشد.

### محاسبات ابعاد داخلی کانالها:

یکی از مشکل‌ترین محاسبات که صورت می‌پذیرد (در مورد جریان گدازه‌ها) شکل داخلی کانال مجاور فعال است. در طی عمده فورانها، شکل مزبور حالت مستطیلی دارد و عمق مربوطه با استفاده از سطوح توپوگرافی پیش جریان محاسبه می‌شود. در بسیاری از موارد، هر چند، توپوگرافی پیش جریان با جزئیات شناخته شده است یا بوسیله جریانهای فوقانی کانال اصلی پوشانده شده است و در انواع دیگر جریان دچار افتادگی از قبل می‌شود. همچنین این امکان وجود دارد که این بخش کانال در مسیر فعالی باشد. در نتیجه محاسبات به سختی صورت می‌پذیرد و اغلب غیر قابل اعتماد است. بنابراین روشهای گوناگونی مورد نیاز است.

یک روش فرضی این است که میزان منفذ (vent) در محل چشمه مشابه موارد پایین دست است در حالی که عمق و سرعت اندازه گیریها به آسانی صورت می‌پذیرد. موارد نامناسب این روش عبارتند از (a) فقدان میزان در پایین جریان ممکن است زیاد باشد و در نتیجه اگرچه مقدار جریان جرمی همانقدر در هر دو نقطه باشد، میزان جریان تا مقدار عددی متفاوت است که منجر به اشتباهات مشابهی در اندازه گیری عمق می‌گردد. (b) گدازه ممکن است از کانال بین چشمه و نقطه محاسبه

سرریز کند، اگر محاسبه در مناطق اطراف صورت پذیرد و گدازه ممکن است در levees گم گردد یا جریان گدازه ممکن است پهن گردد (با سرعت اندکی یا مقدار معینی) (C) گدازه کانال ممکن است تغییر کوتاه مدت یا بلندمدتی در میزان vent یابد چه بنا به پاسخ به آنکه راهش سد شده باشد و یا بعنوان روندی از تغییرات در سرعت انتشار از درون چشمه، میزان پاسخ کوتاه این روندها این موضوع را مشکل میسازد تا میزان جریان در قسمت‌های مختلف جریان مقایسه گردد. به همین منظور برای نمایش صحیح روند، محاسبات صحیحی از عمق جریان صورت نمیپذیرد. قابل اعتمادترین روش سنجش اعماق گدازه کانال‌های پیوسته است که با استفاده از یک پروب عمقی نوع بکاررفته بوسیله پینکرتون و اسپارکس صورت پذیرفت، هرچند، این مسئله تنها بسیار کوچک است (کمتر از ۳ متر پهنا دارد). سرعت پایین حرکت جریان مهم است. در طی فوران ۱۹۸۴ مونالوا، تلاش‌هایی برای ورود یک فلز آهنی ۵ متری بدرون مرکز کانال‌های بزرگ بوسیله هلیکوپتر ناکام ماند، همینطور تلاش‌ها برای رسیدن به عمق با استفاده از میله‌های پرتاب شده ۲-۳ متری و اعماق کانالها با در نظر گرفتن آنها بصورت نصف قطر "lava boats" که در کانال‌های فعال دیده میشود. محاسبات مقاطع این کانالها در زمانی امکان پذیر است که چیزی وارد آنها شود و بسیاری از ابعاد این قایق‌های گدازه ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر میباشند. حتی این محاسبات دقیق نیست زیرا ابعاد کانال میتواند در طی جریان تغییر یابد چه بوسیله فوران مکانیکی یا دمایی یا خنک کننده منطقه ای یا بدلیل خروج کامل از کانالها.

روش صوتی یک روش جایگزین نامطمئن و یا مشکل است. تکنیکی که در آینده نزدیک ممکن است تکامل یابد نیازمند یک سیستم suspended در بالای کانال فعال است که در آن موارد اندازه گیری کننده قرار میگیرند. این روش پتانسیل اضافی یا اجازه به اشتراک گذاشتن کانالهای پیوسته برای تعیین عمل در طی فوران را داراست. بنابراین ایجاد کننده یک مقدار بر روی روندی است که ابعاد کانالهای گدازه ای فعال طولانی مدت با زمان و در طی فوران دمایی یا مکانیکی تغییر میکند یا روندی از نحوه خنک شدن جریان است. روندی آذری پتانسیل آن را دارد تا تعیین کند که آیا متغیرها در انتهای گدازه و در کانالها میتوانند متغیرهایی از گرانشی حوضچه های گدازه داشته باشند یا خیر؟ محدودیت اصلی این روش این است که ابزاری که این عمل را طی قرارگیری در دمای بالا انجام میدهد در کانال گدازه قرار گیرد. یک مطالعه پایه در مورد کانالهای کوچک مشکلات مرتبط با این روش را مطرح میسازد. در نهایت مطالعات مقاومت سنجی به کار میرود تا عمق کانالهای گدازه در زمانی که قادر باشیم الکترونی را به درون جریان وارد کنیم تعیین گردد این مسعله در بسیاری از جریانهای بزرگ که به آرامی حرکت میکنند صورت می پذیرد. اگر چه در بسیاری از موارد تفسیر اطلاعات حاصله بنا به اشکال نامنظم بسیاری از کانالها مشکل است.

مقادیر ریزش و نمودارهای سرعت:

همانگونه که پیش از این خاطر نشان شد محاسبات دقیق ریزش نیازمند نه تنها تعیین ابعاد کانال بلکه محاسبات سرعت افقی و عمودی آن است. برخلاف محاسبات مشابه در مایعات ایزوترمال نیوتنی محاسبات تئوری سرعت در جریانهای گدازه بسیار مشکل است که علت آن روانه سنجی و شیب غلظت بنا به دما می باشد. در حقیقت اگر محاسبات دقیق از نمودارهای سرعت صورت پذیرد، یک روش غیر مستقیم مفید برای تعیین ویژگیهای روانه سنجی می باشد.

محاسبات مشخصات سرعت جریانهای کوچک بوسیله قرار دادن یک مکان سنج (tracer) در سطح جریان و سطح پیشرفت آن با کمک فیلم است. به کمک دوربین فیلمبرداری یا ابزاری مشابه تصاویری مناسب از این موضوع تهیه میشود که تمام ابعاد مرتبط، فواصل از دوربین، طول دید دوربین مورد بررسی قرار میگیرد و روندهایی صورت میپذیرد تا کاهنده میزان خرابی فیلمبرداری باشد. این عمل به کمک گرفتن تصاویر عمودی از نقطه ای مناسب توسط یک هلیکوپتر ثابت که درست در بالای آن است صورت میپذیرد. در جریانهای دیگر این روش کاملاً غیر عملی است و محاسباتی صورت میگیرد تا سرعت طبیعی تعیین گردد. مثلاً موانعی در وسط جریان تعیین میگردد. اصلی ترین علت این عدم دقت که مرتبط با روش است آن است که این موانع به حاشیه رانده میشوند. چندین نوع اندازه گیری مورد نیاز است اگر سرعتهای پرمعنایی حاصل گردد، در حالیکه برای تعدادی از جریانها روندهای سرعت سطحی صورت میپذیرد که درجاتی از دقت را داراست. محاسباتی مشابه در مورد سرعت عمودی

انجام میشود و بیشتر محققین میپندارند که در مقایسه با جریانهای ایزوترمال نیوتنی سرعت سطحی، ۲/۳ سرعت جریان متوسط است، متأسفانه بیشتر ابزار آلاتی که برای محاسبه این روند رودخانه ای صورت میپذیرد در جریانهای گدازه ای تاثیری ندارند و مشکل است از مترهای افقی برای این مسئله استفاده نمود که علتش دمای بالاست. مشکلاتی مشابه در تکامل مترهای رایج الکترومغناطیسی وجود دارد و یک روشی متغیر میتواند توسعه یابد. در زمانی که این مشکل در یخچالها ایجاد میشود، یخچال شناسان به طرز موفقیت آمیز سرعت عمودی را با ضبط تغییر محل عمودی لوله هایی که در یخ وارد شده اند تعیین میکنند. اگرچه مشکلات قرارگیری با این روش وجود دارد، اما میتوان میله های فلزی را در جریانات گدازه ای قرار داد و تغییرات را بصورت تابعی از زمان و عمق نفوذ ضبط نمود. علاوه بر آن روندهای سرعت عمودی مخلوطهای آب، کائولین در آزمایشهای نویسنده در دانشگاه لنکستر با استفاده از یک محور عمودی صورت پذیرفته است و چنین سیستمی دارای پتانسیلی برای جریانهای گدازه ای فعال است. سیستم اندازه گیری میتواند در محلی که متصل به levees باشد گروهی از محاسبات بوسیله کاهش توان اندازه گیری جریان صورت میپذیرد. این سیستم محاسباتی را میتوان برای محاسبات عمق سنجی صوتی که پیش از این بیان شد بکاربرد. صرف نظر از سادگی آن روشی که پیشنهاد میشود قادر به ساختن و ایجاد اطلاعات جدید در روشی است که با آن سرعت برخورد با موانع که به وسط جریان گدازه پرتاب میشوند تعیین میگردد.

در نهایت روش نهایی محاسبه و اندازه گیری میزان آب است که بر مبنای تغییر فاز حاصل از انتقال دو موج صدای گذرا از دو بخش میباشد. در ارتباط با ابعاد رایج الکترو مغناطیسی هیچگونه مسئله ای صورت نمیپذیرد و کافی است که تبدیل دردمای بالا انجام شود. ابعاد صوتی رایج بوسیله شرکت میرس تکنیک الکترونیک تهیه میگردد.

در طی بیشتر فورانها مقادیر فزاینده جریان در نقاط مختلف متفاوتند. به منظور درک مکانیسمهای مسئول این امر بهتر است گروه های سنجشی تشکیل شود که در طول جریان مستقر باشند. این مساله به سختی حاصل میشود (حتی برای مدت زمان کوتاه). در نتیجه این مسئله برای نمایش سیستم خودکار میتواند تغییرات جریان را تعیین گرداند. این مسئله را میتوان بکمک دوربینی که در محل نصب میگردد یا بکمک دوربین ویدئویی با امکانات تلومتری (فاصله سنجی) تعیین گردد که هر دوی آنها در طی فورانهای ۱۹۷۳ مورد استفاده قرار گرفتند.

### بحث نهایی:

با در نظر گرفتن موارد دریافتی، کمبود اطلاعات در مورد جریان گدازه میتواند رفع گردد. تعدادی از آتشفشان شناسان که توانستند تمام موارد مهم را در نظر بگیرند و مراحل تکامل آنرا در نظر بگیرند و اطلاعات عددی میتواند بر روی مسائل مشخص شود. (برای مثال، آخرین دوربین چندکاناله شرکت دیجیترون). البته، یک مشکل بالقوه وجود دارد که باید بر آن فائق آمد، اگر تعداد زیادی از مشاهده کنندگان محاسبات یکسانی بر روی جریانها صورت

دهند و ابزارآلات باید اطلاعات دقیق راضبط کنند. در زمانیکه پیشگامان، اندازه گیری بر روی جریانهای گدازه را صورت میدادند، مشاهده کنندگان اولیه مطمئن میشدند که ابزارآلات آنها به خوبی تنظیم شده بود. سرنوشت این ابزارآلات دیجیتالی و موارد مرتبط منجر به تولید مقادیر زیادی از اطلاعات بدون استفاده است که ما از موسسین آتشفشان شناسی فیزیکی دارا هستیم. سنجش ابزارآلات پس از بازدید، بوسیله نویسنده، اندازه گیری از ویژگیهای گدازه های سنجش شده در "لینگوآی" نشان میدهد که خواندن گروه جدیدتر موکوپلها پس از تنظیم اهمیت دارد. بطور ایده آل و قبل از این در هنگام و بعد از کار صحرایی لازم بود، اگر ما اعتقاد به دمای اندازه گیری شده و دیگر موارد گدازه های فورانی دارا باشیم.

همچنین اهمیت دارد که محاسباتی برای رفتار مدلسازی قبل از فوران صورت پذیرد و اگر ما مقایسه ای بین ویژگیهای گدازه فورانی از آتشفشانهای گوناگون داشته باشیم، محاسبات نباید محدود به منطقه vent باشد. اگر ما مدل های جریان گدازه را بهبود بخشیم، محاسبات سیستماتیک در طول جریانها مورد نیاز است، زیرا اثرات تغییر در زمینه محلول فوق اشباع، دما و تبلور صورت میپذیرد.

پایان



[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)